

اجرای اصل برائت در شبهات موضوعیه قبل از فحص (نقدی بر دیدگاه مشهور)

مصطفی رجائی پور^۱

سید محسن رزمی^۲

علیرضا سمیع^۳

چکیده

امکان اجرای اصل برائت در شبهات موضوعیه پیش از فحص، از مباحث چالشی در اصول فقه امامیه است. پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این پرسش است که آیا مکلف ملزم به تحقیق و بررسی موضوع است، یا صرف تحقق شک برای جریان این اصل کفایت می‌کند. در این راستا، با تحلیل مبانی عقلی و نقلی، دیدگاه‌های مختلف اصولیان در این زمینه واکاوی شده و نسبت میان شبهات موضوعیه و حکمیه از منظر لزوم فحص مورد مذاقه قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که برخی اصولیان جریان اصل برائت در شبهات موضوعیه را متوقف بر فحص ندانسته‌اند؛ درحالی‌که گروهی دیگر بر اشتراط تحقیق و بررسی موضوع، پیش از اجرای این اصل تأکید دارند. افزون بر این، دیدگاه‌هایی که میان شبهات زود زوال و دیر زوال تفکیک قائل شده و حکم فحص را تابع ماهیت موضوع می‌دانند نیز بررسی شده است. در نهایت، مقاله با ارائه تحلیل نهایی، ضمن بررسی اعتبار مبانی استدلالی هر نظریه، نتیجه‌گیری می‌کند که برخلاف دیدگاه مشهور، جریان برائت اصولاً متوقف بر فحص است.

واژگان کلیدی: اصل برائت، شبهات موضوعیه، فحص، برائت شرعی، برائت عقلی.

۱. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، ایران.

rajaepoor0250@mshdiau.ac.ir

۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، ایران، razmimo@mshdiau.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری فقه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، ایران، (نویسنده مسئول).

alirezamie@hotmail.com

مقدمه

مسئله امکان تمسک به اصل برائت پیش از فحوص و جست‌وجو، از مباحث بنیادین و کاربردی علم اصول است که به‌ویژه در عرصه فقه عملی، آثار و پیامدهای قابل توجهی بر جای می‌گذارد. پرسش اصلی این نوشتار آن است که آیا در جریان اجرای اصل برائت در شبهات موضوعیه، مکلف ملزم به فحوص و تحقیق است، یا آنکه صرف تحقق شک، فارغ از هرگونه جست‌وجو، برای جریان این اصل کفایت می‌کند؟ به تعبیر دیگر، آیا در مواردی که موضوعی مردد میان دو حالت حلیت و حرمت است، همچون تردید میان خمر و آب، می‌توان بی‌آنکه به تحقیق و بررسی پردازیم، به قاعده «کل شیء لک حلال» تمسک جست و اصل حلیت را جاری ساخت، یا آنکه عقل و شرع، مکلف را به فحوص و کشف واقعیت فرامی‌خوانند؟

شایان ذکر است که این بحث، اختصاص به شبهات موضوعیه دارد؛ چرا که در شبهات حکمیه، اصل لزوم فحوص و جست‌وجو پیش از اجرای اصول عملی، مورد اتفاق و اجماع اصولیان است و اختلافی در این زمینه وجود ندارد. اما در شبهات موضوعیه، محل نزاع و تأمل است که آیا همانند شبهات حکمیه، مکلف موظف به فحوص است یا می‌تواند بدون آن، به اصول عملی تمسک نماید.

برای تبیین ابعاد این بحث، ذکر نمونه‌هایی از شبهات موضوعیه راهگشاست: گاه مکلف در شنیدن صوتی مشکوک، تردید دارد که آیا آن صوت از مصادیق غناست یا خیر؛ یا تاجری در استطاعت مالی خویش برای حج دچار شک است، بی‌آنکه اموال و دارایی خود را بررسی کرده باشد؛ یا مکلفی در سحر ماه رمضان، نسبت به طلوع فجر و وجوب امساک مردد است؛ یا در پایان سال خمسی، درباره وجود مازاد بر مؤونه خویش دچار تردید می‌شود. در همه این موارد، سؤال اساسی آن است که آیا مکلف بدون فحوص و تحقیق، مجاز به اجرای اصل برائت یا سایر اصول عملی است، یا آنکه پیش از آن، باید به جست‌وجوی حقیقت پردازد؟

در پاسخ به این پرسش، دیدگاه‌های متعددی در میان اصولیان مطرح شده است؛ برخی جریان اصل برائت در شبهات موضوعیه را منوط به فحوص نمی‌دانند (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۳۷۴؛ خوئی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۵۱۲) و برخی دیگر، شرط جریان آن را تحقق

فحص و تحقیق می‌شمارند. (امام خمینی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۴۳۳) این اختلاف نظر، ریشه در تحلیل ادله عقلی و نقلی اصل برائت و نیز تفاوت ماهوی میان شبهات حکمیه و موضوعیه دارد. بدین ترتیب، بررسی امکان تمسک به اصل برائت پیش از فحص در شبهات موضوعیه، از مباحث دقیق و پرثمر علم اصول به شمار می‌رود که پرداختن به آن، راهگشای بسیاری از مسائل فقهی خواهد بود.

پیش‌تر در خصوص پیشینه موضوع خاطر نشان می‌شود که در خصوص این موضوع، پژوهش مستقلی در مقاله یا پایان‌نامه انجام نشده است؛ ولی اصل بحث در کتب اصولی و در ضمن مباحث اصول عملیه مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله مرحوم آخوند خراسانی در کفایه، این مسئله را مطرح و اعتقاد دارند، قبل اجرای برائت، نیازی به فحص نیست. به تبعیت از ایشان، محشین کفایه نیز در ذیل همین بحث، مسئله را بررسی کرده‌اند. مرحوم آقای خوئی در مصباح‌الاصول و حضرت امام (ره) نیز در رسائل به تفصیل به این مسئله پرداخته‌اند. نوشتار حاضر بر خلاف نظر مشهور که معتقد به امکان اجرای اصل برائت در شبهات موضوعیه است، بر این اعتقاد است که اجرای اصل برائت نیازمند فحص است و این مهم‌ترین نوآوری و دست‌آورد مقاله کنونی است.

البته قبل از بیان دیدگاه‌ها و ارزیابی ادله مناسب است دو اصطلاح «فحص» و «برائت» اندکی توضیح داده شود. فحص به معنای جست‌وجو، تحقیق و بررسی برای رفع شبهه یا کسب علم نسبت به موضوع یا حکم شرعی است. این اصطلاح از ریشه لغوی «فحص» به معنای کاوش و جست‌وجوی دقیق گرفته شده و در اصطلاح اصولی، به تلاش مکلف برای احراز واقعیت خارجی یا انطباق موضوع با حکم شرعی اشاره دارد. فحص ممکن است شامل بررسی شواهد عینی، استناد به قرائن، پرس‌وجو از آگاهان، یا مطالعه منابع معتبر باشد. در شبهات موضوعیه، فحص به‌ویژه زمانی مطرح می‌شود که مکلف در انطباق موضوع با حکم شرعی دچار تردید است؛ مثلاً: در تشخیص اینکه آیا مایع مورد نظر خمر است یا خیر، یا آیا فجر طلوع کرده است یا نه. در این موارد، فحص به‌عنوان ابزاری برای رفع جهل یا شبهه و دستیابی به یقین یا اطمینان عرفی در نظر گرفته می‌شود. اهمیت فحص در شبهات موضوعیه

از آن روست که مستقیماً بر اجرای صحیح تکالیف شرعی تأثیر می‌گذارد. بدون فحص، احتمال تخلف از احکام شرعی یا وقوع در حرام افزایش می‌یابد، به ویژه در مواردی که موضوع تکلیف حساس است، مانند: مسائل مرتبط با نکاح یا وجوب حج.

اصل برائت نیز یکی از اصول عملی کلیدی در علم اصول فقه است که در موارد شک و تردید در تکلیف یا موضوع، مکلف را از انجام تکلیف معاف می‌دارد و اصل را بر عدم وجوب یا حرمت قرار می‌دهد. این اصل به‌عنوان یکی از اصول رفع تکلیف در مواقعی که دلیل قطعی بر وجوب یا حرمت وجود ندارد، به کار می‌رود. برائت به دو نوع عمده تقسیم می‌شود:

الف) برائت عقلی: برائت عقلی مبتنی بر قاعده «قیح عقاب بلا بیان» است که بر اساس آن، عقلا مجازات مکلف بدون بیان صریح حکم از سوی شارع ناپسند و غیرعادلانه است. این قاعده عقلایی بیان می‌دارد که در صورت فقدان دلیل معتبر یا علم به تکلیف، مکلف از انجام آن معاف است و نمی‌توان او را به دلیل ترک عملی که از آن آگاه نبوده، مورد عقاب قرار داد. به‌عنوان مثال، اگر مکلف نداند که مایع موردنظر خمر است یا خیر، برائت عقلی حکم می‌کند که بدون یقین به حرمت، مجاز به مصرف آن است، مگر اینکه دلیلی بر لزوم فحص وجود داشته باشد.

ب) برائت شرعی: برائت شرعی بر اساس ادله نقلی مانند حدیث «رفع ما لا يعلمون» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۶۸) و قاعده «کل شیء لک حلال حتی تعلم أنه حرام» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۶۸) استوار است. این ادله بیان می‌کنند که در صورت جهل به حکم یا موضوع، اصل بر حلیت و برائت از تکلیف است تا زمانی که حرمت یا وجوب به صورت قطعی احراز شود. برائت شرعی در شبهات موضوعیه و حکمیۀ کاربرد دارد، اما در شبهات حکمیۀ، اجماع بر لزوم فحص پیش از اجرای برائت وجود دارد در حالی که در شبهات موضوعیه، این مسئله محل اختلاف است. در شبهات موضوعیه، جریان برائت پیش از فحص یکی از مسائل چالش برانگیز است. برخی اصولیان معتقدند که: اطلاق ادله برائت (مانند حدیث رفع) شامل شبهات موضوعیه نیز می‌شود و نیازی به فحص نیست. به‌عنوان مثال در شک بین خمر و آب، مکلف می‌تواند بدون تحقیق به اصل حلیت تمسک کند. در مقابل، گروهی دیگر تأکید دارند که بدون فحص، احتمال تخلف از

تکلیف شرعی وجود دارد و برائت تنها پس از انجام تحقیق معتبر است. این اختلاف ریشه در تحلیل ماهیت شبهات موضوعیه و حکمیه و نیز تفاوت در استنباط از ادله عقلی و نقلی دارد.

۱. دیدگاه عدم لزوم فحص در شبهات موضوعیه و ادله آن

این دیدگاه با صراحت اعلام می‌دارد که در شبهات موضوعیه، برخلاف شبهات حکمیه، نیازی به فحص و جست‌وجوی پیشینی برای جریان اصل برائت نیست و مکلف مجاز است بی‌آنکه به بررسی و تحقیق بپردازد، به اصول عملی تمسک جوید. این نظریه که از آن به «نظریه عدم اشتراط فحص مطلقاً» تعبیر می‌شود، از سوی جمع کثیری از اصولیان برجسته مورد تأیید قرار گرفته است. (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۳۷۴؛ خوئی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۵۱۲؛ روحانی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۱۴۰؛ علوی گرگانی، ۱۳۸۹، ج ۷، ص ۱۶۶؛ رجائی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۶۸؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۳۱، ج ۴، ص ۲۲۵؛ مؤمن قمی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۶۰؛ تبریزی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۷۳؛ صدر، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۴۰۹ [با این توضیح که شهید صدر برائت عقلی را متوقف بر فحص می‌داند، برخلاف برائت شرعیه]؛ مغنیه، ۱۹۷۵، ص ۳۳۳؛ مدنی تبریزی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۲۷۶؛ بجنوردی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۹۲؛ حسینی شاهرودی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۱؛ محقق داماد، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۵۰۸؛ اصفهانی، ۱۴۲۹، ج ۴، ص ۴۱۱؛ سیفی، ۱۴۲۹، ج ۱۰، ص ۲۳۵) طرفداران این نظریه برای اثبات ادعای خویش، به ادله متعددی از جمله تحلیل ماهیت شبهات موضوعیه، تفکیک میان ساحت حکم و موضوع و نیز ادله نقلی و عقلی استناد نموده‌اند که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱-۱. بنای عقلا

از دیگر ادله‌ای که بر عدم لزوم فحص در شبهات موضوعیه پیش از جریان اصل برائت دلالت دارد، بنای عقلا است. سیره و روش عقلای عالم در زندگی روزمره چنین است که در مواجهه با امور مشکوک و مواردی که نسبت به حرمت یا وجوب چیزی تردید دارند، بدون آنکه خود را ملزم به تحقیق و جست‌وجوی پیشینی بدانند، به اصل برائت تمسک می‌جویند و عمل به آن را کاملاً معقول و پذیرفته شده می‌دانند.

محمدجواد مغنیه تصریح می‌کند که عمل به اصل برائت در شبهات موضوعیه، چه در موارد حرمت و چه در موارد وجوب، پیش از فحص، نه تنها مورد اتفاق و اجماع است، بلکه بر بنای عقلا نیز استوار است. به‌ویژه در شبهات تحریمیه، این سیره عقلایی به‌وضوح دیده می‌شود و در شبهات وجوبیه نیز، مشهور عقلا چنین روشی را اتخاذ می‌کنند. (مغنیه، ۱۹۷۵، ص ۳۳۳)

براین اساس، بنای عقلا یکی از پشتوانه‌های مهم برای جریان اصل برائت در شبهات موضوعیه بدون لزوم فحص و تحقیق شمرده می‌شود.

۱-۲. اجماع

این استدلال بر پایه اجماع فقها در میان اصولیان استوار است که در شبهات موضوعیه، جریان اصل برائت پیش از فحص را جایز می‌دانند. بر اساس این دیدگاه در شبهات تحریمیه، اجماع محقق و در شبهات وجوبیه، شهرت قوی در میان فقها بر عدم لزوم فحص پیش از تمسک به اصل برائت وجود دارد. (علوی گرگانی، ۱۳۸۹، ج ۷، ص ۱۶۶؛ بجنوردی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۹۲؛ محقق داماد، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۵۰۸) محمدجواد مغنیه نیز تصریح می‌کند که در شبهات تحریمیه، اجماع بر عدم لزوم فحص محقق شده است و در شبهات وجوبیه، این نظر به‌صورت مشهور و گسترده پذیرفته شده است. (مغنیه، ۱۹۷۵، ص ۳۳۳) آیه الله مدنی تبریزی نه تنها حکم را اجماعی بلکه مورد تسالم فقها دانسته و می‌نویسد: «این حکم مورد تسالم فقهاست و هیچ اختلافی در آن وجود ندارد» (مدنی تبریزی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۲۷۶)

این اجماع و شهرت، نه تنها نشانگر پذیرش گسترده این دیدگاه در میان فقهاست، بلکه بیانگر انسجام منطقی آن در چارچوب ادله شرعی و سیره عقلایی است.

۱-۳. استناد به روایات اهل بیت علیهم‌السلام

یکی از مهم‌ترین و معتبرترین ادله در اثبات جواز تمسک به اصل برائت پیش از فحص در شبهات موضوعیه، روایات وارده از ائمه معصومین علیهم‌السلام است که ضابطه‌ای کلی و جامع را در این زمینه ارائه می‌دهند. برخی از روایات با اطلاق دلالت بر عدم وجوب فحص داشته و

برخی با بیان روشن‌تر از اطلاق و در حد نصوصیت یا ظهور قوی، دلالت بر عدم وجود فحص در شبهات موضوعیه دارند.

مطابق روایات مطلق، ادله شرعی دال بر جواز و برائت، از جمله دلیل حلیت و حدیث رفع و حدیث حجب، به صورت اطلاق شامل شبهات موضوعیه نیز می‌شوند و لذا جریان برائت در شبهات موضوعیه بدون نیاز به فحص و تحقیق نیز ممکن است. به بیان دیگر، بر خلاف آنچه گاهی تصور می‌شود که اصل برائت در شبهات موضوعیه منوط به فحص است، اطلاق ادله اصولی اقتضا می‌کند که برائت عقلی و شرعی در این نوع شبهات نیز بدون پیش شرط فحص جاری گردد.

محققین متعددی برای اثبات عدم لزوم فحص در شبهات موضوعیه به این دلیل متوسل شده‌اند. (خونی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۵۱۲؛ روحانی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۱۴۰؛ رجائی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۶۸؛ مؤمن قمی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۶۰؛ تبریزی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۷۳؛ مدنی تبریزی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۲۷۶؛ بجنوردی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۹۲)

محقق عراقی در تشریح این دلیل می‌نویسد: «به سبب اطلاق ادله ترخیصات شرعی مانند: دلیل حلیت و حدیث رفع و حدیث حجب، حکم عقل به وجوب فحص به دلیل احتمال ضرر در موضوع آن برداشته می‌شود؛ زیرا با جریان این ادله، یقین به عدم ضرر حاصل می‌گردد و بنابراین حکم عقل به وجوب فحص منتفی می‌شود. از این رو، عدم وجوب فحص در شبهات موضوعیه بر اساس قاعده عقلایی است و نه صرفاً به دلیل اجماع تعبدی در موارد واضح، به همین ترتیب مقتضای قاعده در همه شبهات موضوعیه و حکمیه، عدم لزوم فحص است.» (عراقی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۴۶۸)

بنابراین، اطلاق ادله اصولی و شرعی، به ویژه در ادله برائت، مبنایی قوی برای جریان اصل برائت در شبهات موضوعیه پیش از هرگونه فحص و تحقیق فراهم می‌آورد.

پس از آن ادله دال بر برائت، مانند: قاعده حلیت و حدیث رفع، به صورت مطلق و بدون قید و شرط بیان شده‌اند و هیچ دلیل معتبری برای تقیید این ادله به موارد پس از فحص و تحقیق

وجود ندارد. به عبارت دیگر، شارع مقدس در بیان این ادله، هیچ شرطی مبنی بر لزوم فحص پیشین ذکر نکرده است و اطلاق ادله، شامل تمامی موارد شبهات موضوعیه می‌شود. براین اساس، برخی از محققین با تأکید بر «عدم وجود دلیلی که اطلاق ادله برائت را مقید کند» جواز تمسک به اصل برائت را پیش از فحص اثبات می‌نماید. (روحانی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۱۴۰) محمدجواد مغنیه با تفکیک میان «وجوب یادگیری احکام شرعی» و «وجوب تحقیق در موضوعات خارجی» تصریح می‌کند که وجوب دوم فاقد دلیل است و نمی‌توان آن را بر مکلف تحمیل نمود. (مغنیه، ۱۹۷۵، ص ۳۳۳) آیه الله خوئی با استناد به «اطلاق ادله برائت» و «عدم انطباق ادله وجوب فحص در شبهات حکمیه بر شبهات موضوعیه» جریان برائت را بدون فحص مجاز می‌شمارد. (خوئی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۵۱۲) بالاخره بجنوردی نیز با تأیید این دیدگاه، بر عمومیت ادله اصولی در شبهات موضوعیه پیش از فحص تأکید می‌ورزد. (بجنوردی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۹۲)

پس این نظریه، مبتنی بر تحلیل دقیق ادله نقلی و عقلایی است و نشان می‌دهد که تقیید ادله برائت به موارد پس از فحص، مستلزم دلیل خاصی است که در منابع شرعی به آن اشاره‌ای نشده است.

در کنار ادله پیشین که به اطلاق، دلالت بر عدم وجوب فحص داشتند، روایات خاصه نیز وجود دارد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

۱-۳-۱. روایت عبدالله بن سنان

از جمله این روایات، روایت مشهور عبدالله بن سنان است که در آن امام محمدباقر علیه السلام در پاسخ به پرسشی درباره پنیر (جبن) فرمودند: «هر آنچه که در آن حلال و حرام است، برای تو حلال است تا زمانی که حرام بودن آن به صورت مشخص و قطعی شناخته شود و از آن اجتناب کنی.» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۳۳۹)

این روایت که مؤمن قمی در کتاب «تسدید الاصول» بدان استناد کرده است، دلالت روشنی بر جواز خرید و مصرف هر چیزی دارد که در آن شک و شبهه وجود دارد، بدون اینکه نیازی به فحص و تحقیق پیشین داشته باشد. پاسخ عملی امام علیه السلام به سؤال‌کننده که در قالب

خرید پنیر و تناول آن نمود یافته است، مؤید این حکم است که جواز استفاده از آنچه در آن احتمال حلیت و حرمت هست، تا زمانی که حرمت به طور قطعی احراز نشود، امری پذیرفته شده است. (مؤمن قمی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۶۰)

این ضابطه کلی، علاوه بر رفع ابهامات احتمالی درباره اعتبار روایت، نشانگر عمق اطلاق آن است؛ زیرا امام علیه السلام تأکید کرده‌اند که تا زمان شناخت قطعی حرام، اصل بر حلیت است و مکلف می‌تواند به آن عمل کند.

۲-۳-۱. صحیحہ اول زرارہ

یکی از ادله نقلی مهم در تبیین جواز تمسک به اصل برائت پیش از فحوص در شبهات موضوعیه، صحیحہ زرارہ است که در منابع روایی با سند معتبر نقل شده است. در این روایت، زرارہ از امام باقر علیه السلام می‌پرسد: «اگر پس از اقامه نماز، شک کنم که پیش از آن، نجاستی به لباسم اصابت کرده بود یا نه و پس از بررسی اولیه چیزی نیابم، اما بعد از نماز آن را بیابم، چه باید کرد؟» امام علیه السلام پاسخ می‌دهند: «لباس را بشوی، اما نماز را اعاده نکن؛ زیرا تو ابتدا بر طهارت یقین داشتی، سپس دچار شک شدی و هرگز نباید یقین را با شک نقض کنی...» (تهذیب، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۲۱)

این روایت به روشنی نشان می‌دهد که مکلف در مواجهه با شبهه موضوعیه (شک در نجاست لباس پس از نماز) نیازی به تحقیق گسترده پیش از عمل ندارد. امام علیه السلام با تأکید بر قاعده «لَا يَنْقُضُ الْيَقِينَ بِالشَّكِّ أَبَدًا» اصل طهارت را حتی پس از شک، محفوظ می‌دانند، بی‌آنکه مکلف را به جست‌وجوی مجدد یا بازبینی موشکافانه ملزم نمایند. این رویکرد، بیانگر آن است که اصل برائت در شبهات موضوعیه، بدون نیاز به فحوص پیشین، جاری می‌شود.

● مؤمن قمی با استناد به این روایت، تصریح می‌کند: «صحیحہ زرارہ به وضوح دلالت دارد که استصحاب در شبهات موضوعیه، بدون نیاز به فحوص، جاری می‌شود. هرچند مورد سؤال، شک در طهارت است، اما ملاک حکم، قاعده کلی «نقض نکردن یقین با شک» است که عنوانی عام برای همه شبهات (اعم از وجوبیه و تحریمی، طهارت و غیر آن) محسوب

می‌شود؛ بنابراین، روایت بر عدم اعتبار فحوص در جریان استصحاب دلالت می‌کند.» (مؤمن قمی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۶۰)

• آیه الله خوئی نیز با تأکید بر عمومیت دلالت روایت، آن را شامل تمامی شبهات موضوعیه می‌داند و استدلال می‌کند که «اطلاق ادله برائت، حتی در مواردی که فحوص ساده امکان‌پذیر است، مانع از جریان اصل برائت نیست.» (خوئی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۵۱۲) با توجه به روایت فوق، می‌توان چند نکته را بیان کرد:

۱. تفکیک بین یقین اولیه و شک ثانویه: یقین اولیه به طهارت، حتی در صورت شک پسینی، نقض نمی‌شود و اصل بر بقای حالت سابق است.

۲. عدم وجوب تعمق در فحوص: امام علیه السلام با نهی از «قلب و بررسی مجدد لباس» نشان می‌دهند که جست‌وجوی مضاعف، نه تنها لازم نیست؛ بلکه ممکن است موجب وسواس شود.

۳. عمومیت قاعده: اگرچه مورد روایت، شک در طهارت است، اما قاعده «نقض نکردن یقین با شک» به عنوان ضابطه‌ای کلی، شامل تمامی شبهات موضوعیه (اعم از حلیت، حرمت، وجوب و غیره) می‌گردد.

نتیجه اینکه، صحیحه زراره با تأکید بر حفظ یقین اولیه و نفی لزوم فحوص مضاعف، سند محکمی برای جواز تمسک به اصل برائت در شبهات موضوعیه، پیش از هرگونه تحقیق است. این روایت، همراه با تحلیل‌های اصولیان برجسته، نشان می‌دهد که مکلف در مواجهه با شبهات موضوعیه، می‌تواند بدون فحوص، به اصل اولی (حلیت یا طهارت) عمل نماید، مگر آنکه دلیل خاصی بر وجوب فحوص در آن مورد وجود داشته باشد.

۳-۳-۱. صحیحه دوم زراره

یکی از ادله نقلی در تبیین جواز تمسک به اصل برائت پیش از فحوص در شبهات موضوعیه، صحیحه دوم زراره است که در منابع روایی با استناد به امام باقر علیه السلام نقل شده است. در بخشی از این روایت، زراره می‌پرسد: «آیا بر من واجب است که اگر در اصابت چیزی [نجس] شک کردم، به بررسی آن پردازم؟» امام علیه السلام پاسخ می‌دهند: «نه؛ بلکه تو می‌خواهی شک موجود در ذهنت را از بین ببری.» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۲۱)

این فراز از روایت، به‌وضوح نشان می‌دهد که مکلف مجاز است حتی از کمترین میزان فحص و بررسی خودداری کند و نیازی به اقدام عملی برای رفع شک ندارد. پاسخ امام علیه السلام حاکی از آن است که هدف از فحص در چنین مواردی، صرفاً زوال شک ذهنی است، نه احراز واقعیت خارجی. این رویکرد، مؤید آن است که اصل برائت در شبهات موضوعیه، بدون نیاز به هرگونه اقدام پیشینی، جاری می‌شود.

شهید صدر (ره) در کتاب «بحوث» با استناد به این روایت، استدلال می‌کند که «جواز غمض عین» (چشم‌پوشی از تحقیق) حتی در مواردی که فحص ساده و امکان‌پذیر است، از مفاد صحیحه دوم زراه استخراج می‌شود. به عبارت دیگر، عدم لزوم فحص، نه تنها در موارد پیچیده، بلکه در شبهات ساده نیز قابل‌تعمیم است، چرا که شارع مقدس با تأکید بر حفظ یقین اولیه، مکلف را از تعمق بی‌حاصل در امور مشکوک باز می‌دارد. (صدر، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۴۰۹).

با توجه به روایت فوق، می‌توان چند نکته را بیان کرد:

۱. تفکیک بین شک ذهنی و واقعیت خارجی: روایت بر این امر تأکید دارد که شک صرفاً یک حالت ذهنی است و نیازی به تطبیق آن با واقعیت خارجی ندارد.
 ۲. عدم وجوب اقدامات احتیاطی: حتی اگر فحص به سادگی نگاه‌کردن به لباس یا پرسش از دیگران باشد، وجوبی بر آن نیست.
 ۳. عمومیت قاعده: اگرچه مورد روایت، شک در نجاست است، اما قاعده «لزوم عدم نقض یقین با شک» به‌عنوان اصلی کلی، شامل تمامی شبهات موضوعیه می‌گردد.
- نتیجه اینکه صحیحه دوم زراه با تأکید بر «جواز غمض عین» و نفی هرگونه الزام به فحص، سندی محکم برای اثبات عدم لزوم تحقیق پیشین در شبهات موضوعیه است. این روایت، همراه با تحلیل‌های اصولی‌های اصولی‌های چون شهید صدر، نشان می‌دهد که مکلف می‌تواند بدون اتلاف وقت در جست‌وجوی واقعیت، به اصل برائت تمسک جوید، مگر آنکه دلیل خاصی بر وجوب فحص در موردی خاص وجود داشته باشد.

۴-۳-۱. روایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

در منابع روایی، روایتی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل شده است که دلالت روشنی بر عدم لزوم فحوص و تحقیق در مواجهه با شبهات نجاست دارد. ایشان فرموده‌اند: «برای من فرقی ندارد که آیا آنچه به من اصابت کرده بول است یا آب، زیرا من نمی‌دانم.» (صدوق، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۷۲) این بیان صریح، نشان‌دهنده جواز عدم پرداختن به تحقیق و تفحص حتی در حد تشخیص دقیق نجاست احتمالی است. (صدر، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۴۰۹)

محمدجواد مغنیه نیز در کتاب به این روایت استناد کرده و آن را از ادله معتبر در اثبات اصل برائت پیش از فحوص در شبهات موضوعیه دانسته است. (مغنیه، ۱۹۷۵، ص ۳۳۳) این روایت، ضمن تأکید بر حفظ اصل برائت و عدم الزام به فحوص، نشان می‌دهد که مکلف می‌تواند در مواجهه با شک در نجاست، بدون صرف وقت و انرژی برای تحقیق، به اصل طهارت و حلیت تمسک جوید و از آن بهره‌مند گردد، مگر آنکه دلیل قطعی بر نجاست موجود باشد.

۵-۳-۱. روایات باب سوق مسلمین

در منابع روایی، روایات متعددی در باب شبهه تذکیه نسبت به کالاهایی به گوشت‌هایی که از بازار مسلمین خریداری می‌شود، وارد شده است که دلالت صریح بر عدم لزوم فحوص و تحقیق پیش از تمسک به اصل برائت دارند. (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۶۸؛ حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۴۵۶) به‌ویژه در موارد شک در تذکیه حیوانات یا احتمال میته بودن یا وجود میته در آن‌ها، این روایات تصریح می‌کنند که مکلف نیازی به سؤال و تحقیق ندارد و بر او واجب نیست که موضوع را بررسی کند. همچنین در برخی از این روایات آمده است که کسانی که به دلیل جهل، خود را محدود می‌کنند

دچار تنگ‌نظری شده‌اند، زیرا دین بسیار گسترده‌تر و وسیع‌تر از این محدودیت‌هاست؛ بنابراین، تا زمانی که یقین به میته بودن حیوان حاصل نشده باشد، گوشت آن حلال و پاک است و اصل برائت و برائت شرعی جاری است و نیازی به فحوص و تحقیق نیست. (صدر، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۴۰۹)

نقدی بر استدلال به این روایات وارد است، این روایات ناظر به قاعده سوق است و اینکه اگر در بازار اسلامی گوشتی فروخته می‌شد، با حمل فعل مسلم بر صحت، حکم به حلیت

آن شود. پس این روایات در مورد جریان برائت نیست. به دیگر سخن، در این روایت یک تعلیل ذکر شده که نشانگر آن است که این روایات ناظر به یک مورد خاص بوده و نمی‌توان در تمامی شبهات موضوعیه از آنها مدد گرفت و آن تعلیل این است که «و الا لم یبق للمسلمین سوقا» این تعلیل نشان می‌دهد که سوق المسلمین اماره تعبدی بر حلیت است.

۶-۳-۱. روایت اختلاف در طلوع فجر

از جمله ادله نقلی معتبر در اثبات عدم لزوم فحص در شبهات موضوعیه، روایتی است که به مسئله طلوع فجر و آغاز زمان روزه اختصاص دارد. محمدجواد مغنیه در کتاب «علم اصول الفقه» (مغنیه، ۱۹۷۵، ص ۳۳۳) به روایتی از امام علی علیه السلام اشاره می‌کند: دو نفر در شب ماه رمضان درباره طلوع فجر اختلاف نظر دارند؛ یکی می‌گوید: فجر طلوع کرده و دیگری آن را نمی‌بیند. امام علیه السلام فرمودند: «کسی که یقین ندارد فجر طلوع کرده است، می‌تواند بخورد و بنوشد و بر کسی که ادعا می‌کند فجر طلوع کرده، حرام است.» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۹۷) این روایت بر اساس آیه قرآن کریم «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَسْبَغَ لَكُمْ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ» (بقره: ۱۸۷) بیان شده است و نشان می‌دهد که در موارد شک و شبهه، اصل برائت و جواز عمل به حالت سابق (حلیت خوردن و آشامیدن) برقرار است تا زمانی که یقین به وقوع تغییر حاصل شود. این روایت به‌عنوان یکی از مصادیق بارز اصل برائت در شبهات موضوعیه، دلالت دارد بر اینکه مکلف نیازی به فحص و تحقیق پیش از عمل ندارد و می‌تواند بر اساس اصل برائت عمل کند، مگر آنکه دلیل قطعی بر وقوع امر مخالف وجود داشته باشد. بدین ترتیب، این روایت و مشابه آن، از مهم‌ترین ادله نقلی در اثبات جواز تمسک به اصل برائت پیش از فحص در مسائل شرعی است.

۲. دیدگاه تفصیل بین شبهات زود زوال و دیر زوال و ادله آن

برخی از محققین بین شبهات زود زوال و دیر زوال، قائل به تفصیل شده و در نوع اول، فحص را واجب دانسته؛ ولی در شبهات دیر زوال، فحص را لازم نمی‌دانند.

مرحوم نائینی به تفصیل به این موضوع پرداخته و میان دو نوع شبهه موضوعیه تفکیک قائل شده است: ایشان معتقد است که در شبهات تحریمیه، اجماع بر عدم وجوب فحص وجود

دارد، هرچند ممکن است در برخی موارد خاص مانند: برخی فروع نکاح، فحوص لازم باشد. اما در شبهات و جویه، به ویژه آن دسته که علم به تحقق موضوع تکلیف غالباً یا همیشه مستلزم فحوص و بررسی دقیق است، مانند: استطاعت در حج یا رسیدن به نصاب در زکات، عدم وجوب فحوص قابل قبول نیست و بنای عقلا بر وجوب فحوص است، چرا که ترک آن موجب تخلف گسترده از تکلیف شرعی می‌شود. (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۲۷۷)

به عبارت دیگر، اگر شک در موضوعی باشد که با اقداماتی ساده و بدون دشواری قابل رفع است، مانند: نگاه کردن به افق برای تشخیص طلوع فجر یا مراجعه به دفتر حساب برای تعیین میزان دین، ادله برائت و حلیت درباره آن‌ها جاری نیست و مکلف باید به آن موضوع توجه و بررسی کند. وی همچنین تأکید می‌کند که در مواردی که علم به موضوع نیازمند مقدمات پیچیده و فحوص دقیق است، اصل برائت جاری است و نیازی به فحوص ساده نیست. (منتظری، ۱۳۸۴، ص ۳۱۷-۳۱۹)

آیت‌الله فاضل لنکرانی نیز در «اصول فقه شیعه» به این نکته توجه داده است که در موضوعاتی مانند: استطاعت حج و رسیدن به نصاب زکات، عرف و شارع حکم به وجوب فحوص کرده‌اند؛ زیرا بدون فحوص، بسیاری از افراد واجب‌الحدوث از تکلیف شرعی خود معاف می‌شوند که با اصل مشروعیت تکالیف تناسب ندارد؛ (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۱، ج ۹، ص ۸۶) بنابراین، وجوب فحوص در این موارد امری منطقی و عرفی است.

به طور کلی، می‌توان شبهات موضوعیه را بر اساس میزان دشواری کسب علم به موضوع به دو دسته تقسیم کرد:

۱. شبهاتی که علم به موضوع آن‌ها نیازمند مقدمات پیچیده، بررسی‌های فنی و فحوص گسترده است، مانند: تشخیص دقیق مصادیق غنا یا استطاعت مالی.
 ۲. شبهاتی که تشخیص موضوع آن‌ها ساده و بدون نیاز به مقدمات پیچیده است، مانند: تشخیص طلوع فجر با نگاه به افق یا بررسی ساده دفتر حساب.
- در دسته اول، وجوب فحوص بر مکلف لازم است تا از تخلف از تکلیف جلوگیری شود، اما در دسته دوم، اصل برائت و حلیت جاری است و نیازی به فحوص نیست.

یکی از مهم‌ترین مبانی نظری در تفصیل میان شبهات موضوعیه زود زوال و دیر زوال، انصراف اطلاقات ادله و روایاتی است که بر جواز تمسک به اصل برائت بدون نیاز به فحص دلالت دارند. این اطلاقات، ناظر به حالتی است که زوال شبهه مستلزم انجام مقدمات پیچیده و طولانی است و نه مقدمات اندک و ساده. (منتظری، ۱۳۸۴، ص ۳۱۷)

به بیان دیگر، در مواردی که رفع شبهه نیازمند تحقیقات و بررسی‌های گسترده و زمان‌بر است، اطلاقات ادله حلیت و برائت به طور طبیعی بر اصل برائت تأکید دارند و مکلف را از الزام به فحص معاف می‌کنند. اما در مواردی که شبهه به‌سادگی و با اقدامات ابتدایی و کم‌هزینه‌ای مانند: مشاهده افق برای تشخیص طلوع فجر یا مراجعه به دفتر حساب برای تعیین میزان دین قابل‌رفع است، این اطلاقات به طور ضمنی منصرف می‌شوند و مکلف موظف به فحص و تحقیق است. (منتظری، ۱۳۸۴، ص ۳۱۷) ایشان همچنین تأکید می‌کند که در مواردی که علم به موضوع نیازمند مقدمات پیچیده و فحص دقیق است، اصل برائت جاری است و نیازی به فحص ساده نیست. (همان، ص ۳۱۹)

آیت‌الله فاضل لنکرانی نیز در «اصول فقه شیعه» با استدلال به ضرورت حفظ مشروعیت تکالیف شرعی، بیان می‌دارد که در موضوعاتی مانند: استطاعت حج و رسیدن به نصاب زکات، عرف و شارع، حکم به وجوب فحص کرده‌اند، زیرا بدون فحص بسیاری از افراد واجب‌الحدوث از تکلیف معاف می‌شوند که با اصل مشروعیت تکالیف سازگار نیست. (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۱، ج ۹، ص ۸۶)

بنابراین، اطلاقات ادله حلیت و برائت در شبهات موضوعیه نه به‌صورت مطلق، بلکه با توجه به نوع شبهه و میزان دشواری کسب علم به موضوع، قابل‌تفسیر و تطبیق است. این دیدگاه، توازن منطقی میان سهولت عمل مکلف و حفظ مشروعیت تکالیف شرعی را برقرار می‌سازد و از تعمیم بی‌محدودیت اصل برائت در همه شبهات موضوعیه جلوگیری می‌کند. نقد و نظر

به نظر می‌رسد تفصیل بین شبهات زود زوال و دیر زوال، مستند قابل‌اعتنایی نداشته و این تفصیل با اشکالات متعددی مواجه است از جمله:

اشکال اول: موضوع اصول جهل است نه میزان مقدمات علم موضوع اصول فقهی جهل و عدم علم مکلف به واقع است و تفاوتی بین وجود مقدمات علم و عدم آن در صدق اصل وجود ندارد؛ بنابراین، ادعای انصراف اصل نفی در مواردی که مکلف مقدمات علم به موضوع را دارد و تنها به نگاه یا توجه ساده نیازمند است، پذیرفتنی نیست. (تبریزی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۷۳)

به دیگر سخن، ملاک در ادله برائت و استصحاب، جهل و عدم علم مکلف است نه نوع یا میزان فحص به عنوان مثال، در موضوع طلوع فجر، مکلف جاهل به وقوع فجر است و هیچ دلیلی بر وجوب نگاه برای محدود کردن اطلاقات ادله وجود ندارد؛ بنابراین اطلاقات ادله برائت و استصحاب مطلق و نافذ است. (خوئی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۵۱۲)

بلکه می‌توان گفت، نگاه ساده به افق فحص محسوب نمی‌شود و وجوب فحص نیست. (حسینی شاهرودی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۱)

اشکال دوم: روایات صریح دال بر عدم وجوب فحص مطلقاً روایات متعددی وجود دارد که صراحتاً عدم وجوب فحص را در شبهات موضوعیه بیان کرده‌اند، از جمله روایت خرید و خوردن پنیر توسط غلام امام باقر علیه السلام، روایت ابی جارود و صحیح زراره، این روایات دلالت دارد بر اینکه اصل عدم وجوب فحص زمانی منتفی است که واقعیت با کمترین فحص آشکار شود و شک پایدار نباشد. همچنین ادعای اختصاص صحیح زراره به باب نجاسات با استدلال به حجیت استصحاب در همه ابواب رد شده است. (محقق داماد، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۵۰۹)

۳. نظریه تفصیلی در وجوب فحص در شبهات موضوعیه و ادله آن

بر اساس این نظریه، اصل بر عدم لزوم فحص در شبهات موضوعیه است، چه این شبهات وجوبی باشند یا تحریمی، اما در موارد خاصی که طبیعت موضوع تکلیف به گونه‌ای است که علم به آن غالباً یا مستمراً مستلزم فحص و تحقیق است، وجوب فحص به عنوان استثنا پذیرفته می‌شود. این دیدگاه با تأکید بر ماهیت موضوعات شرعی و بنای عقلا، تمایز میان شبهات عرفاً ساده و پیچیده را مشخص می‌کند. (انصاری، ج ۲، ص ۵۱۰) به عنوان مثال، اگر شارع

دستور به «اکرم اطباء البلد» دهد، طبیعت این امر ایجاب می‌کند که مکلف برای شناسایی پزشکان برجسته شهر، به تحقیق روی آورد. در چنین مواردی، فحص نه تنها واجب است، بلکه جزء ذات تکلیف محسوب می‌شود؛ زیرا بدون آن، اجرای حکم شرعی ممکن نیست. این تحلیل مبتنی بر سیره عقلانی است که در مواجهه با موضوعات پیچیده، به طور طبیعی به فحص متوسل می‌شوند. مواردی که مشخصاً صاحبان این نظریه، فحص را در آنها لازم می‌دانند، به شرح زیر است: (روحانی، ج ۵، ص ۳۳۵)

۱. احتمال تحریم زن برای مرد

در برخی شبهات موضوعیه تحریمیه، مانند احتمال اینکه زنی بر مرد حرام باشد، (مثلاً: به دلیل نسبت محرمیت یا رضاع) فحص و تحقیق لازم است تا تکلیف شرعی به درستی تعیین شود و از ارتکاب حرام جلوگیری گردد. این موارد به دلیل اهمیت و حساسیت موضوع، مستلزم بررسی دقیق و رفع شبهه هستند.

۲. شک در استطاعت مالی برای حج

وقتی مکلف در استطاعت مالی برای انجام حج شک دارد، وجوب فحص مطرح می‌شود؛ زیرا تحقق تکلیف حج منوط به وجود استطاعت است و عدم اطمینان به این موضوع، نیازمند بررسی و محاسبه دقیق مال است تا تکلیف به درستی تعیین شود.

۳. شک در بلوغ حدنصاب در باب زکات

در مسائل زکات، اگر شک در رسیدن مال به حدنصاب وجود داشته باشد، فحص لازم است. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که وجوب زکات به رسیدن مال به نصاب وابسته است و عدم اطمینان به این امر، مکلف را ملزم به تحقیق و بررسی می‌کند.

۴. شک در بلوغ نصاب در باب خمس

مشابه زکات، در باب خمس نیز شک در رسیدن مال به حدنصاب، موجب وجوب فحص می‌شود. بررسی دقیق و تعیین میزان مال، شرط لازم برای تحقق تکلیف خمس است.

۵. شک در رؤیت هلال و طلوع فجر

در مواردی که رؤیت هلال یا طلوع فجر با نگاه مستقیم به آسمان قابل تشخیص است، ولی اصل استصحاب (برائت) در آن‌ها جاری نیست، فحص لازم است. به این معنا که مکلف نمی‌تواند صرفاً بر اساس اصل برائت عمل کند و باید به دقت رؤیت یا عدم رؤیت را بررسی نماید. به نظر می‌رسد، وجوب فحص در این موارد به یک دلیل واحد نیست؛ در برخی موارد، اهمیت موضوع و احتمال وقوع ضرر یا مخالفت با حکم شرعی، ضرورت فحص را ایجاب می‌کند، مانند: مسائل مربوط به نفس و عرض که اهمیت بالایی دارند. در موارد دیگر، وجوب فحص به دلیل احتمال مخالفت گسترده با حکم شرعی در صورت ترک فحص است، مانند شک در استطاعت حج یا رسیدن به نصاب در زکات و خمس. همچنین در برخی موارد، موضوع به گونه‌ای است که جهل به آن پذیرفته نیست، مانند: رؤیت هلال یا طلوع فجر که با مشاهده مستقیم قابل احراز است. (بجنوردی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۹۲) طرفداران این نظریه حداقل به سه دلیل استدلال کرده‌اند:

۱-۳. بنای عقلا بر وجوب فحص در موارد خاص

یکی از مهم‌ترین دلایل طرفداران نظریه سوم، استناد به بنای عقلا بر وجوب فحص در برخی موارد خاص شبهات موضوعیه است. بر اساس این دیدگاه، در مواردی که علم به موضوع تکلیف غالباً یا مستمراً متوقف بر فحص و تحقیق است، عقلا حکم به وجوب فحص می‌کنند تا از وقوع ضرر و تخلف از تکلیف جلوگیری شود. این حکم عقلایی ناشی از این است که ترک فحص در چنین مواردی، موجب تعارض با مصالح شرعی و احتمال وقوع خطا و ضرر می‌گردد. (انصاری، ج ۲، ص ۵۱۰)

به بیان دیگر، اطلاق ادله ترخیصات شرعی مانند دلیل حلیت، حدیث رفع و حدیث الحجب، حکم عقل به وجوب فحص را در مواردی که احتمال ضرر وجود دارد، منتفی می‌سازد؛ زیرا با جریانات این ادله، یقین به عدم ضرر حاصل می‌شود و دیگر نیازی به فحص نیست؛ بنابراین، عدم وجوب فحص در شبهات موضوعیه بر اساس قاعده کلی است و برای خروج از این قاعده در هر یک از شبهات موضوعیه یا حکمی، باید دلیل نقلی یا عقلی خاصی ارائه شود. در عمل، در مواردی مانند: شک در نصاب زکات، استطاعت مالی برای حج، و

نصاب خمس یا زکات که موضوعات آنها نیازمند بررسی دقیق و فحص است، عقلایی بر وجوب فحص اتفاق نظر دارند و این حکم عرفی و عقلایی را به‌عنوان دلیل محکمی بر وجوب فحص پذیرفته‌اند. (عراقی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۴۶۸)

۲-۳. وجوب مشروط و ضرورت کسب علم به وجود شرط

بر اساس این دلیل، وجوب برخی تکالیف شرعی، به وجود شرطی خارجی وابسته است؛ به این معنا که تحقق وجوب، منوط به تحقق آن شرط است، نه صرف علم به وجود آن. به‌عنوان مثال، وجوب حج به استطاعت مالی مشروط است؛ یعنی حج تنها در صورتی بر مکلف واجب می‌شود که استطاعت مالی وجود داشته باشد، نه صرفاً وقتی که مکلف از وجود استطاعت آگاه باشد؛ بنابراین، مکلف نمی‌تواند به‌صرف شک در میزان مال خود بگوید که «نمی‌دانم آیا مستطیع هستم یا خیر، پس تکلیفی بر من نیست.» (محقق قمی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۷۰) بلکه باید مال خود را محاسبه کند تا علم پیدا کند که آیا استطاعت برای حج دارد یا خیر.

این استدلال با تأکید بر ضرورت کسب علم به وجود شرط، نشان می‌دهد که در مواردی که شرط تحقق تکلیف، امری خارجی و قابل بررسی است، ترک فحص و تحقیق، باعث می‌شود مکلف از انجام تکلیف شرعی معاف شود که با قواعد کلی شرعی و عقلایی سازگار نیست. به همین دلیل، در مواردی مانند: شک در نصاب غلات برای زکات، حتی اگر وسایل دقیق اندازه‌گیری موجود نباشد، ترک فحص به معنای سقوط وجوب نیست و حداقل استحباب فحص مطرح می‌شود.

نقد و نظر

در نقد این دلیل باید گفت، توقف وجوب بر وجود شرط نه علم به آن، کافی برای اثبات وجوب فحص نیست. به تعبیر برخی از محققان استدلال مبنی بر اینکه وجوب تکلیف مشروط به وجود شرط است و نه علم به آن، هرچند پذیرفتنی است، اما این دلیل به‌تنهایی برای اثبات وجوب فحص کافی نیست؛ زیرا شک در وجود شرط، مستلزم شک در موضوع تکلیف نیز هست و در این صورت اصل برائت جاری می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، اگر شرط تحقق تکلیف مانند: استطاعت مالی برای حج یا رسیدن به نصاب زکات، خود محل شک باشد، نمی‌توان به‌صرف تعلق تکلیف به وجود آن شرط، وجوب فحص را اثبات کرد. (منتظری، ۱۳۸۴، ص ۳۱۷)

از این رو، اگر تعلق تکلیف صرفاً بر موضوع واقعی باشد، وجوب فحص نیز باید متوقف بر علم به آن موضوع باشد؛ در غیر این صورت، وجوب فحص حتی در صورت شک نیز پابرجا خواهد بود که این امر منطقی و شرعی نیست. بنابراین، ادعای وجوب فحص در همه موارد شک در شرط، نیازمند دلیل نقلی یا عقلی دیگری است و نمی‌توان صرفاً به این دلیل استدلال کرد. این اشکال بر این نکته تأکید دارد که اصل برائت شرعی و برائت عقلی در موارد شک در شرط، همچنان معتبر است و وجوب فحص نیازمند استدلال قوی‌تری است تا بتواند جایگزین اصل برائت شود.

۳-۳. بنای عقلا

یکی دیگر از دلایل مهم در اثبات وجوب فحص، استناد به بنای عقلا بر لزوم تحقیق و بررسی در مواردی است که ترک فحص و اهمال در آن، غالباً منجر به مخالفت با تکلیف شرعی می‌گردد. براین اساس، عقلا حکم می‌کنند که در چنین مواردی فحص واجب است تا از وقوع تخلف گسترده از تکلیف جلوگیری شود. این دلیل، به‌ویژه در مواردی کاربرد دارد که موضوع تکلیف حساس و مهم بوده و عدم تحقیق در آن، پیامدهای جدی شرعی به دنبال دارد. (ر.ک. منتظری، ۱۳۸۴، ص ۳۱۷)

به عبارت دیگر، وجوب فحص در این موارد نه تنها بر اساس نصوص شرعی بلکه بر مبنای قاعده عقلایی و عرفی است که حکم می‌کند مکلف نباید به سادگی از کنار موضوعات حساس عبور کند، بلکه باید با دقت و تحقیق لازم، از صحت و تحقق موضوع تکلیف اطمینان حاصل نماید. این حکم عقلایی، تضمین‌کننده اجرای دقیق و صحیح تکالیف شرعی و جلوگیری از خطا و تخلف است. بنابراین، این دلیل بر وجوب فحص تأکید دارد و آن را در مواردی که اهمال در فحص باعث تخلف فراوان از تکلیف می‌شود، امری ضروری و غیرقابل اجتناب می‌داند.

نقد و نظر

در نقد دلیل سوم گفته شده است اگر منظور از بنای عقلا بر وجوب فحص، حصول علم اجمالی مکلف به وقوع خود در خلاف واقع در برخی موارد باشد، موضوع به حصول این علم

برای خود مکلف باز می‌گردد و نمی‌توان حکم کلی صادر کرد. در این صورت، وجوب فحص یا احتیاط بر اساس وجوب احتیاط در موارد علم اجمالی تدریجی است و این احتیاط نیز از نظر عقلایی به این دلیل است که اشتغال یقینی به فحص، مستلزم برائت یقینی است. اما اگر منظور، علم اجمالی به وقوع مخالفت با واقع در برخی اصولی باشد که نسبت به همه مکلفان جاری است و نه فقط نسبت به شخص مکلف، این امر مانعی برای جریان اصل برائت نسبت به هر مکلف در مورد مواردی که به آن مبتلا می‌شود، نیست. (منتظری، ۱۳۸۴، ص ۳۱۷)

بنابراین، این اشکال تأکید می‌کند که بنای عقلا بر وجوب فحص نمی‌تواند به صورت کلی و مطلق مانع از جریان اصل برائت شود، مگر آنکه علم اجمالی و یقین به مخالفت با واقع برای خود مکلف حاصل شده باشد. در غیر این صورت، اصل برائت نسبت به تکلیف باقی است و وجوب فحص نیازمند استدلال قوی‌تر و مشخص‌تری است.

۴. دیدگاه تفصیل بین شبهات تحریمیه و وجوبیه و ادله آن

برخی از محققین بر این اعتقادند که شبهات موضوعیه تحریمی فحص و جستجو لازم نیست؛ ولی در شبهات موضوعیه وجوبی فحص و جستجو لازم است. مثلاً در بحث شبهه غنا صاحب معالم می‌فرماید: فحص لازم نیست؛ ولی در مثال سوم و چهارم، بحث شک در اذان فجر و سال خمسی، فحص و جستجو لازم است.

صاحب معالم در خصوص وجوب فحص در شبهات وجوبیه می‌نویسد: «وجوب تثبت (بررسی و تحقیق) که در آیه ششم سوره حجرات ذکر شده، به خود صفت مربوط است، نه به علمی که پیش‌تر درباره آن صفت حاصل شده باشد. نتیجه این سخن آن است که باید در پی تحقیق و بررسی درباره وجود یا عدم وجود آن صفت بود. آیا نمی‌بینی که وقتی گفته می‌شود: «به هر فرد بالغ و رشیدی از این گروه مثلاً: یک درهم بده» این سخن مستلزم پرس و جو و بررسی درباره کسی است که این دو صفت (بلوغ و رشد) را داراست نه اینکه صرفاً به کسی اکتفا شود که پیش‌تر علم به دارا بودن این دو صفت در او حاصل شده باشد؟» (صاحب معالم، ص ۲۰۱)

صاحب قوانین با تفصیل بیشتر مطلب را بیان می‌کند: «علم پیشین به یک صفت، در ثبوت آن صفت نقشی ندارد. واجباتی که مشروط به وجود چیزی هستند، وجوبشان وابسته به وجود

آن شرط است، نه به علم به وجود آن شرط؛ بنابراین، نسبت به علم، مطلق است و مشروط نیست. مثلاً کسی که به دلیل ندانستن مقدار مالش، شک دارد که آیا به اندازه استطاعت حج مال دارد یا نه نمی‌تواند بگوید: «من نمی‌دانم که مستطیع هستم، پس چیزی بر من واجب نیست.» بلکه بر او واجب است که مالش را محاسبه کند تا بداند آیا استطاعت دارد یا خیر. البته اگر پس از محاسبه، باز هم شک کند که آیا این مال برای استطاعت کافی است یا نه در این صورت اصل بر عدم وجوب است. پس نتیجه تعلیق حکم به کسی که در واقع متصف به صفتی است، لزوم بررسی و تحقیق است و سپس عمل بر اساس نتیجه آن بررسی؛ بنابراین، وقتی گفته می‌شود: «به هر فرد بالغ و رشیدی از این گروه یک درهم بده» این سخن مستلزم پرس و جو درباره کسی است که این دو صفت را داراست، نه اکتفا به کسی که علم به اجتماع این دو صفت در او حاصل شده است. این مطلب با تعلیلی که در آیه (حجرات: ۶) ذکر شده تأیید می‌شود؛ زیرا پشیمانی (از پذیرش خبر) زمانی رخ می‌دهد که خبر از کسی پذیرفته شود که در واقع فاسق است، حتی اگر فسق او معلوم نشده باشد.» (محقق قمی، بی تا، ج ۲، ص ۴۷۰)

۵. دیدگاه توقف اجرای اصل برائت بر فحص و ادله آن

این دیدگاه بر این اساس استوار است که در شبهات موضوعیه، اصل برائت عقلی و شرعی نمی‌تواند پیش از انجام فحص و تحقیق معتبر باشد. به عبارت دیگر، پیش از آنکه مکلف به اندازه کافی تحقیق و بررسی نماید، نمی‌توان برائت را جاری کرد؛ زیرا ترک فحص در مواردی که امکان رفع شبهه وجود دارد، موجب تخلف از تکلیف شرعی و عقلی می‌شود. (امام خمینی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۴۳۳) مثالی که برای روشن شدن این دیدگاه آورده شده، دستور مولی به عبد خود است که بگوید: «اگر مهمان من آمد، او را گرامی بدار.» اگر عبد شک کند که آیا شخص حاضر همان مهمان مولی است یا خیر، بدون انجام فحص و تحقیق، نمی‌تواند از انجام تکلیف خودداری کند؛ زیرا اگر بعداً معلوم شود که آن شخص واقعاً مهمان بوده، ترک فحص و تکلیف، موجب مذمت عقلا و عدم معذوریت عبد خواهد بود. این مثال نشان می‌دهد که در شبهات موضوعیه، تفاوتی میان شبهات حکمی و موضوعیه از حیث لزوم فحص وجود ندارد و هر دو نیازمند تحقیق پیش از جاری کردن اصل برائت‌اند.

از سوی دیگر، این دیدگاه بر پایه عقل و وجدان استوار است که مکلف باید در مواردی که رفع شبهه آسان و موضوع مهم است، به تحقیق بپردازد تا از تخلف احتمالی جلوگیری کند. همچنین تأکید می‌شود که در مواردی که علم به موضوع با مراجعه ساده یا فحص اندک قابل حصول است، ترک فحص جایز نیست و برائت جاری نمی‌شود. (سبحانی، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۶۱۸)

این نظر با تأیید بزرگان اصولی، مانند: آیت‌الله فاضل لنکرانی همراه است که معتقدند در شبهات موضوعیه، لزوم فحص پیش از جاری کردن برائت عقلی وجود دارد و تفاوتی میان شبهات حکمی و موضوعیه نیست. (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۱، ج ۹، ص ۸۶)

۶. تحلیل نهایی

به نظر می‌رسد که از میان نظریات مطرح شده، دیدگاه لزوم فحص از استحکام و اعتبار بیشتری برخوردار باشد. در راستای تبیین امکان جریان برائت، لازم است هر یک از انواع برائت، یعنی برائت عقلی و برائت نقلی، به طور مجزا مورد بررسی قرار گیرند.

۶-۱. امکان یا عدم امکان جریان برائت عقلی

بر اساس قواعد اولیه، فحص و تحقیق لازم است. عقل زمانی قاعده «قبح عقاب بلا بیان» را جاری می‌کند که پس از جستجو و بررسی، اطمینان حاصل کرده باشد که بیان وجود ندارد. در شبهات موضوعی، فرض بر این است که بیان کلی از سوی شارع وارد شده است؛ مانند: «الخمر حرام» یا «وجوب امساک با طلوع فجر». مسئله این است که آیا موضوع خاص مورد نظر مکلف، منطبق بر این حکم کلی است یا خیر؟ عقل حکم می‌کند که اگر بدون جستجو و فحص، بدون اطمینان از انطباق، عمل کرد و پس از آن معلوم شد که حکم کلی منطبق بوده است، مکلف مستحق عقاب است؛ زیرا بیان کلی وجود داشته و دقت در تطبیق لازم بوده است. به همین ترتیب، اگر مکلف شک دارد که آیا طلوع فجر واقع شده یا نه می‌تواند فحص کند؛ ولی اگر نکرد و بعد معلوم شد که فجر طلوع کرده، عقل حکم می‌کند که ترک فحص و عمل به شک، موجب عقاب است؛ بنابراین، بدون فحص قاعده «قبح عقاب بلا بیان» جاری نیست.

شواهد این قاعده در احکام عقلایی نیز دیده می‌شود؛ مثلاً: اگر فردی مالیات خود را نپردازد و بگوید شک داشته که آیا درآمدش به حدنصاب مالیات رسیده یا نه به او گفته می‌شود که باید تحقیق و بررسی می‌کرد. یا اگر طلبکار هست و نمی‌داند طلبش را باید پرداخت کند یا خیر، باید دفتر حساب را بررسی کند؛ بنابراین، طبق قواعد اولیه و تازمانی که شارع به صراحت خلاف آن را اعلام نکرده باشد، مکلف موظف است در شبهات موضوعی که حکم کلی برای آن وجود دارد، فحص و جستجو نماید و در صورت ترک آن، عقاب عقلی و شرعی محتمل است.

۲-۶. امکان یا عدم امکان جریان برائت شرعی

در خصوص برائت شرعی و مفاد ادله‌ای مانند «رفع ما لا یعلمون»، پرسش این است که آیا در شبهات موضوعی پیش از فحص، برائت شرعی جاری می‌شود یا خیر؟ برخی از ادله که بر وجوب فحص دلالت دارند، لسانشان اختصاص به شبهات حکمی است، مانند: «فاسلوا اهل الذکر» یا «هلا تعلمت»، اما ادله دیگری نیز وجود دارد که شامل شبهات موضوعی نیز می‌شود. از جمله دلایل عقلی این است که خداوند در ابلاغ احکام، روش عقلانی را پیش گرفته و حکم را در معرض وصول قرار داده است؛ بنابراین، وظیفه مکلف جستجو و فحص است. اگر مکلف فحص نکند، احتمال ضرر و عقاب وجود دارد، زیرا ممکن است تکلیف داشته باشد؛ ولی به آن نرسیده باشد. دفع ضرر محتمل به حکم عقل واجب است و لذا جستجو لازم است. این دلیل در شبهات موضوعی نیز تأکید می‌شود؛ زیرا فرض بر این است که مکلف حکم کلی را می‌داند، مثلاً: «الخمر حرام»، اما شک دارد که آیا مایع مورد نظر خمر است یا خیر. اگر منطبق بود، مکلف تکلیف دارد و اگر مخالف کرد، عقاب می‌شود؛ بنابراین، احتمال عقاب وجود دارد و دفع آن واجب است.

دلیل دیگر این است که خداوند بدون شبهه تکالیفی را بر انسان مقرر کرده است و اگر فحص لازم نباشد و انسان خود را در جهل نگه دارد، نقض غرض تشریح است و بعثت انبیا و انزال کتب بی‌معنا می‌شود. این موضوع در شبهات موضوعی نیز صادق است؛ اگر کسی در موارد شک در انطباق، بدون جستجو بگوید تکلیف ندارد، پس رسالت انبیا و نزول کتب چه

معنایی دارد؟ در بسیاری از موارد، انسان می‌تواند خود را در جهل نگه دارد و به بهانه شک، از انجام تکلیف شانه خالی کند که این امر با فلسفه تشریح تعارض دارد.

نتیجه اینکه با توجه به قواعد اولیه و دلایل عقلی، اطلاق حدیث «رفع ما لا یعلمون» در شبهات موضوعی پیش از فحص پذیرفته نیست و برائت عقلی و شرعی پیش از انجام فحص در این شبهات جاری نمی‌شود. بدین ترتیب، انجام فحص و تحقیق پیش از استناد به برائت، امری ضروری و شرط لازم برای تحقق آن است.

وانگهی استناد به اجماع برای اثبات عدم وجود فحص، نیز صحیح نیست؛ چرا که اجماع به‌عنوان یک «دلیل لبی» (غیرلفظی)، تنها در محدوده «قدر متیقن» قابل استناد است؛ یعنی مواردی که علم به واقعیت، مستلزم صرف وقت و هزینه قابل توجه باشد. اما در مواردی که زوال تردید با اندکی واری و تحقیق ممکن است، نمی‌توان به اجماع استناد کرد و ادعای عدم وجوب فحص را اثبات نمود. (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۱، ج ۹، ص ۸۶)

رشتی حائری نیز با نقد اطلاق ادعای اجماع، مثال‌هایی از فقه را ذکر می‌کند که حتی در شبهات تحریمیه، فحص ضروری است؛ مانند: برخی فروع مربوط به نکاح، وی سپس به تفکیک شبهات موضوعیه به تحریمیه و وجوبیه پرداخته و تصریح می‌کند که در شبهات وجوبیه، (مانند: استطاعت در حج یا نصاب زکات) فحص به دلیل ترس از مخالفت قطعی با احکام شرعی، واجب است. به باور او، عدم وجوب فحص تنها در مواردی است که علم به موضوع نیازمند اقدامات پیچیده نباشد؛ مثلاً: در تشخیص طلوع فجر یا تمییز خمر از آب، اگر علم به موضوع منوط به نگاه ساده یا پرسش از آگاهان باشد، فحص ضرورت دارد. تنها در مواردی مانند نجاست و طهارت، به دلیل توسعه شارع، می‌توان از فحص چشم پوشید. (رشتی حائری، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۹۳)

از سوی دیگر، محقق عراقی با نقد تلقی اجماع به‌عنوان دلیل تعبیدی، استدلال می‌کند که عدم وجوب فحص در شبهات موضوعیه نه بر پایه اجماع، بلکه بر اساس اطلاق ادله تریخیات شرعی (مانند: دلیل حلیت و حدیث رفع) استوار است. به باور وی، این ادله به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که با جریان یافتن آنها، حکم عقل به وجوب فحص به دلیل احتمال ضرر، مرتفع می‌گردد؛ بنابراین،

عدم وجوب فحوص در شبهات موضوعیه، قاعده‌ای کلی است که شامل همه شبهات (حکمی و موضوعیه) می‌شود و نه صرفاً مبتنی بر اجماع. (عراقی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۴۶۸)

نتیجه اینکه اگرچه اجماع به‌عنوان یکی از ادله عدم وجوب فحوص در شبهات موضوعیه تحریمی مطرح شده، اما محدودیت‌های این استدلال (از جمله تفکیک بین موارد ساده و پیچیده در فحوص و تفاوت شبهات وجوبیه و تحریمی) نشان می‌دهد که نمی‌توان به‌صورت مطلق به آن استناد کرد. از این رو، پایه اصلی این دیدگاه را باید در اطلاق ادله شرعی و سیره عقلایی جست‌وجو نمود، نه صرفاً در اجماع فقها.

استدلال به روایات نیز برای اثبات عدم لزوم فحوص، کامل نیست؛ چرا که روایات مربوط به سوق مسلمین، با توجه به تعلیلی که در روایات است، ناظر به حکم تعبدی در خصوص بازار مسلمین است. روایات مربوط به مبحث طهارت و نجاست نظیر روایت عبدالله بن سنان نه تعلیلی در روایات بیان شده و نه جمله‌ای که تعمیم از آنها استفاده شود.

نتیجه‌گیری

بحث امکان اجرای اصل برائت در شبهات موضوعیه پیش از فحوص، یکی از مباحث بنیادین علم اصول است که تأثیرات گسترده‌ای بر فقه عملی و تکالیف مکلفان دارد. اختلاف نظر اصولیان در این زمینه، ناشی از تفاوت در مبانی عقلی و نقلی و نیز تحلیل ماهیت شبهات موضوعیه در مقایسه با شبهات حکمی است.

بررسی دیدگاه‌های مختلف نشان می‌دهد که گروهی از اصولیان جریان اصل برائت در شبهات موضوعیه را مستقل از فحوص دانسته و بر اطلاقات ادله برائت و سیره عقلانی استناد کرده‌اند. در مقابل، برخی دیگر معتقدند: عقل و شرع، مکلف را به تحقیق و بررسی موضوع پیش از اجرای این اصل فرامی‌خوانند. افزون بر این، دیدگاه‌هایی که میان شبهات زود زوال و دیر زوال تفکیک قائل شده و وجوب فحوص را تابع ماهیت موضوع می‌دانند نیز محل تأمل است. با تحلیل نهایی، روشن شد که جریان اصل برائت متوقف بر فحوص است مگر در مواردی که دلیل خاص برخلاف آن اقامه شده باشد.

منابع

۱. آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۹). کفایة الأصول (طبع آل البيت). چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۲. اصفهانی، محمد حسین (۱۴۲۹). نهاية الدراية في شرح الكفاية. چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۳. انصاری، مرتضی (بی تا). فرائد الأصول / جامعه مدرسين. چاپ اول، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۴. بجنوردی، محمد (۱۳۷۹). منتهی الاصول. چاپ اول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۵. تبریزی، جواد (۱۳۸۷). دروس فی مسائل علم الأصول (تبریزی)، چاپ اول، قم: دار الصدیقة الشهيدة (سلام الله على ها).
۶. حسینی شاهرودی، محمد (۱۳۷۹). نتائج الافكار. چاپ اول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۷. حکیم، محمد سعید (۱۴۳۱). التنقيح. چاپ اول، قم: مؤسسه الحکمة الثقافة الاسلامیة.
۸. خوئی، ابوالقاسم (۱۴۲۲). مصباح الاصول. چاپ اول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۹. خمینی، روح الله (۱۳۸۱). تهذیب الأصول. چاپ اول، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمينی (قدس سره).
۱۰. رجایی، محمد (۱۳۸۳). منهاج الأصول (الرجائی). چاپ اول، قم: محمد الرجایی.
۱۱. رشتی حائری، عبدالحسین (۱۳۷۰). شرح کفایة الأصول. چاپ اول، قم: المطبعة الحیدریة.
۱۲. روحانی، محمدصادق (۱۳۸۹). زبده الأصول (الروحانی). چاپ اول، قم: کلبه شروق.
۱۳. سبحانی، جعفر (۱۳۹۶). المبسوط فی أصول الفقه. چاپ اول، قم: مؤسسه الإمام الصادق عليه السلام.
۱۴. سیفی، علی اکبر (۱۴۲۹). بدايع البحوث فی علم الأصول. چاپ اول، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۵. صدر، محمدباقر (۱۴۱۷). بحوث فی علم الأصول (الهاشمی الشاهرودی). چاپ اول، قم: مؤسسه دائرة معارف الفقه الاسلامی.
۱۶. علوی گرگانی، محمدعلی (۱۳۸۹). لثالی الأصول. چاپ اول، قم: دار التفسیر.

۱۷. لنکرانی، محمد (۱۳۸۱). اصول فقه شیعه. چاپ اول. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیہم السلام.
۱۸. لنکرانی، محمد (۱۳۸۸). دراسات فی الأصول. چاپ اول. قم: مرکز فقه الأئمة الأطهار علیہم السلام.
۱۹. مؤمن قمی، محمد (۱۴۱۹). تسدید الأصول. چاپ اول. قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامی.
۲۰. مغنیه، محمدجواد (۱۹۷۵). علم أصول الفقه فی ثوبه الجديد. چاپ اول، بیروت: دارالعلم للملایین.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸). أنوار الأصول. چاپ اول، قم: مدرسة الإمام علی بن أبی طالب علیہ السلام.
۲۲. مدنی تبریزی، محمد (۱۴۰۳). درر الفوائد. چاپ اول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۳. منتظری، حسینعلی (۱۳۸۴). مجمع الفوائد. چاپ اول، تهران: نشر سایه.
۲۴. نایینی، محمدحسین (۱۳۷۶). فوائد الأصول. چاپ اول، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی